



ریشه بابی فکری و تاریخی اختلاف تسنن و تشیع / کشتار شیعیان فاقد هرگونه مستند دینی است

عماد افروغ اتفاقات اخیر در کشور مصر را ریشه در تلقیات رادیکال از اسلام در دوره معاصر عنوان کرد و گفت: افرادی که دست به چنین رفتارهای جنایت‌آمیزی می‌زنند...

عماد افروغ اتفاقات اخیر در کشور مصر را ریشه در تلقیات رادیکال از اسلام در دوره معاصر عنوان کرد و گفت: افرادی که دست به چنین رفتارهای جنایت‌آمیزی می‌زنند بیش از حد به رهبران خود اعتماد دارند و خرد خود را کنار گذاشته و از سر جهل دست به چنین جنایاتی می‌زنند و شاید این رفتارها را قربت الی الله نیز انجام می‌دهند.

دکتر عماد افروغ، در گفتگو با خبرنگار مهر در مورد اتفاقات اخیر در کشور مصر با اشاره به اینکه این رفتارها مستندات دینی ندارند، گفت: پیش از اینکه دین را وارد این مسائل کنیم باید از پیش‌فرض‌ها، پیشینه‌ها و ذهنیت مرتکبان چنین رفتارهایی سؤال کنیم، باید مستقل از ادعای آنها راجع به دینی بودن رفتارهایشان، این پیش‌فرض‌ها و این ذهنیت‌ها را به نقد کشانید. این افراد به هیچ وجه ربطی به دین ندارد و اصلاً خودشان را به دین تحمیل کرده‌اند.

وی گفت: متأسفانه واقعیتی در تاریخ اسلام اعم از تسنن و تشیع وجود دارد که منشأ آن به لحاظ فکری و معرفتی به تفکر اشعری‌گری و اخباری‌گری مربوط می‌شود. یک تلقی این است که همه چیز را از زاویه نقل می‌بینند غافل از اینکه یک بال یا یک بازوی دیگر شرع، عقل است. حال اینکه نقلی که به دین نسبت داده می‌شود تا چه اندازه معتبر است؟ تا چه میزان محدود به شرایط زمانی و مکانی خاص است؟ تا چه اندازه به تمام شرایط زمانی و مکانی تسری پیدا می‌کند؟ متأسفانه این دیگر محل اعتنا نیست.

این نویسنده و استاد دانشگاه در ادامه سخنانش اظهار داشت: علاوه بر بی‌توجهی به عقل و فلسفه، در نوع دیگر تلقی، به تغییر هم توجهی نمی‌شود، اگر اینها کمی با مفهوم نقل هم عقلی برخورد می‌کردند می‌توانستند رجعتی به اصول داشته باشند تا به نموها و عینیات یک مطلب. یعنی آنها حتی نمی‌توانند با یک منش انتزاعی اصلی را از گذشته انتزاع کنند. بسیار نگرش سطحی و رفتارگرایانه و منفک‌گرایانه به شریعت دارند، مانع تغییر، تحول و پیشرفت هستند، به علاوه به لحاظ روان‌شناختی هم آن آمادگی را ندارند که موضوع تازه‌ای به مطالب گذشته خود اضافه کنند، بیش از حد به مرادهای خود یا رهبران خود اعتماد دارند و فی‌الواقع خود واقعی و خرد خود را کنار گذاشته و از سر جهل دست به چنین جنایاتی می‌زنند و شاید این اقدامات را قربت الی الله نیز انجام دهند.

افروغ در ادامه سخنانش تصریح کرد: به نظر می‌رسد که عالمان و بزرگان آنها باید سر عقل بیایند، آنها باید متوجه شرایط زمانی و مکانی شوند، آنها حداقل باید بفهمند که امروز منافع و مصالح دین‌شان در گرو وحدت است، در گرو پرهیز از رفتارهای غیرقابل قبول و غیرقابل دفاع چه به لحاظ دینی و چه به لحاظ عقلی است. این گروه از افراد حداقل باید از باب توجه به زمان و مکان یا از باب توجه به ضرورت‌های امروز ما، بحث وحدت را دنبال کنند، البته ایده‌آل این است که فضا به گونه‌ای فراهم شود که اینها به صورت ریشه‌ای متوجه بحث وحدت شوند. به این معنی که سعی کنند قرآن را اساس قرار دهند و با روح قرآن آشنا شوند. وقتی قرآن کریم، سایر ادیان را عطف به توحید و وحدت می‌کند در جهان اسلام که میانی مشترک بسیاری در توحید، نبوت، معاد، نماز و در حج و بسیاری موضوعات دیگر وجود دارد پس باید وحدت بیشتری وجود داشته باشد.

این استاد جامعه‌شناسی در پاسخ به این سؤال که آیا اینها مستندات دینی دارند؟ گفت: جواب من همیشه منفی بوده، از آنها درباره مستندات دینی‌شان نباید سؤال کرد. از آنها بپرسند مستندات جهان‌بینی‌شان چیست؟ به هر حال هر یک از انسانها با یک پیشینه و ذهنیتی وارد دین می‌شوند، پیش از اینکه دین را وارد این مسائل کنیم باید از پیش‌فرض‌ها، پیشینه‌ها و ذهنیت آنها سؤال کنیم، باید آن ذهنیت را به نقد کشید، یعنی با وجود تفکر اخباری و تفکر اشعری دیگر لازم نیست سراغ دین رفت. اصلاً بدون اینکه نیازی باشد که بحث دین مطرح شود، مستقل از ادعای آنها راجع به دینی بودن رفتارهایشان، این پیش‌فرض‌ها و این ذهنیت‌ها را به نقد کشانید، یعنی به راحتی می‌توان با مباحث عقلی و بشری این نوع نگاه به دین را زیر سؤال برد. این افراد به هیچ وجه ربطی به دین ندارد و اصلاً خودشان را به دین تحمیل کرده‌اند.

این فعال فرهنگی و سیاسی درباره وظیفه کشورهای اسلامی منطقه گفت: معتقدم جمهوری اسلامی باید بهتر و بیشتر از اینها در جهت وحدت گام بردارد. بارها بر حسب مسئولیت‌ها و دغدغه‌هایی که داشته‌ام عنوان کرده‌ام که چرا شما به همان میزانی که در جهت

وحدت برون دینی گام برمی‌دارید در جهت وحدت درون دینی گام بر نمی‌دارید. البته مواعی هم در جهان تسنن و هم در جهان تشیع وجود دارد. بزرگان این دو مذهب باید به جد در این مورد فکر کنند. اگر آنها در مورد موضوعاتی که با یکدیگر تضاد نظری دارند گفتگو نکنند مطمئن باشید که انجام این کار را توده‌ها به عهده خواهند گرفت. در واقع این، یک نگرش توده‌ای از دین است که کار را به اینجا می‌کشانند.

مؤلف کتاب #171 گفتگو ابزار یا گفتمان» افزود: به رغم تمام تلاش‌هایی که از سوی جهان تشیع مخصوصاً جمهوری اسلامی برای وحدت درون دینی انجام شده است، احساس می‌کنم به دلیل همان سابقه اخباری‌گری در جهان تشیع نمی‌شود یک امتیاز مثبت به این اقدامات داد. جهان تشیع باید گام‌های مثبت بیشتر و بهتری بردارد. همان طور که وحدت برون دینی یعنی وحدت اسلام و سایر ادیان تا حدودی به سامان یافته تلاش شود تا وحدت درون دینی نیز به یک وضعیت قابل قبولی برسد. تفکر سلفی، تفکر اشعری مآبانه و اخباری‌گری زبینه دین و روح دین و پیام رحمت آمیز دین نیست.

افروغ در پاسخ به اینکه این تلقیات در سیر تاریخی اندیشه اسلامی از چه جریان‌های نشأت می‌گیرد، این طور پاسخ داد: علاوه بر مسائل معرفتی که به آن اشاره کردم باید بگویم مرتکبان چنین رفتارهایی به رهبران دینی خود اعتماد و افری دارند و به دنبال این یک نوع بی‌اعتمادی به خود و بی‌توجهی به جایگاه خود دارند. به میزانی که هر یک از مسلمانان خود را باور می‌کند و متوجه تکالیف، وظایف و حقوق خود می‌شود کمتر مبادرت به چنین رفتارهایی می‌کند، به محرکاتی که به انجام این رفتارهای خشونت‌آمیز منجر می‌شود کمتر اعتماد می‌کند. اعتماد به خودی خود بد نیست اما وقتی اعتماد کورکورانه و از روی تفکر و تعقل نباشد چنین مسائلی را رقم می‌زند.

وی در ادامه سخنانش افزود: نکته دیگر این است که نباید مسئله را فقط در دین جستجو کرد، یعنی پیروان یک آیینی هستند که این گونه می‌اندیشند و بعد خود را حق مطلق می‌دانند و این حق‌گرایی مطلق به توده‌ها منتقل می‌شود و توده‌ها به جان هم می‌افتند؛ در اینجا باید از شرایط سیاسی روز هم غافل نشویم یعنی نباید مسائل را درون دینی ببینیم یا درون جامعه دینی جستجو کنیم، نباید از نقش توطئه‌های بیرونی غافل شویم. دشمنان دین در اینجا نقش تفرقه‌افکنانه دارند و عمدتاً منافعی را دنبال می‌کنند آنها هیچ گاه بیکار نمی‌نشینند. به ویژه دشمنان اسلام موضوعات تفرقه انگیز را شناسایی می‌کنند، این اختلافات را فهم می‌کنند و روی آنها سرمایه گذاری می‌کنند.

نویسنده کتاب #171: «اسلام و جهانی شدن» ادامه داد: این پیوند منحوس و ضد انسانی، صهیونیستی - استکباری حاکم بر بخشی از این عالم در اینجا ذینفع است، آنها می‌دانند که منافع‌شان در گرو تفرقه است، می‌دانند که مهمترین دشمن، وحدت جهان اسلام است به همین دلیل به صورت نامحسوس سرمایه گذاری می‌کند تا استقلال سیاسی این جوامع را مخدوش کرده و این جوامع را با اختلاف رو به رو کند؛ ممکن است این حرکت به طرق مختلف صورت بگیرد، از طریق القاتل ایدئولوژیک، یا از طریق حمایت‌های سخت‌افزارانه از برخی دولت‌ها یا ... به طور کلی رهبران جهان اسلام باید به این ارتباط‌های بیرونی و محرک‌های بیرونی هم توجه کنند.

وی یادآور شد: متأسفانه این قابلیت در جهان تشیع و تسنن وجود دارد. یعنی عده‌ای هستند که هم در جهان تشیع، ساز تفرقه را کوک می‌کنند و هم در جهان تسنن. به طور کلی منافع آنها در گرو فرقه‌گرایی و یک تفکر سلفی است حال این سلفی می‌تواند سنی مذهب باشد یا شیعی مذهب. به هر حال عقلای این دو قوم باید با یکدیگر هم‌فکری کنند. در این میان مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، وظیفه سنگینی به عهده دارد یعنی اولاً مسئله شناسی درستی انجام دهد، سپس راجع به راه‌حل‌های مبنایی این مسئله تمهیداتی بیاندهد. به رغم اینکه این مسائل در جهان تشیع و تسنن وجود دارد اما در عین حال قابلیت‌های خیلی خوبی نیز وجود دارد قابلیت‌هایی که امروزه می‌توان آنها را به فعلیت برسانیم و یک فکر مبنایی و اساسی برای جهان اسلام کنیم.